

خیزش ویکه‌گاکا، ۱۹۳۲



پوستر شوروی جهت تشویق کارگران کارخانه‌ها برای پیوستن به بلشویک‌ها، ۱۹۳۲

پیوند به متن:

<https://libcom.org/article/vichuga-uprising-۱۹۳۲>



شهر ویچوگا واقع در ناحیه صنعتی ایوانوو (IPO) در اتحاد جماهیر شوروی

در آوریل ۱۹۳۲، در شهر ویچوگا (به گویش بومیان منطقه ویچوگا) واقع در ناحیه صنعتی ایوانوو (IPO) در اتحاد جماهیر شوروی، حدود ۱۶ هزار کارگر نساجی در چندین واحد تولیدی دست به اعتصاب زدند و برای مدتی کوتاه کنترل شهر را به دست گرفتند. این خیزش، در نهایت با سرکوب شدید از سوی نیروهای دولتی و همزمان با وعده‌هایی از جانب قدرت مرکزی برای اجرای اصلاحات، پایان یافت.

این اعتصاب که در بستر موج گسترده‌تری از ناآرامی‌های کارگری در مناطق مختلف اتحاد شوروی — از جمله حوزه صنعتی ایوانوو، ولگای سفلی، اورال، سیبری غربی، اوکراین و بلاروس — رخ داد، یکی از مهم‌ترین اعتراض‌های کارگری دهه ۱۹۳۰ به شمار می‌آید. اهمیت آن نه تنها در گستره و سازمان‌یافتگی‌اش، بلکه از تهدیدی ناشی می‌شد که برای اقتدار سیاسی دولت شوروی ایجاد کرد؛ تهدیدی که در نهایت به اصلاحاتی در سطح ملی انجامید.

اطلاعات این مقاله عمدتاً بر مبنای کتاب *اعتصاب کارگران در روسیه استالین* نوشته جفری جی. راسمن^۱ است؛ پژوهشی که به نظر می‌رسد تنها منبع جامع در زبان انگلیسی پیرامون این رخدادها باشد.

جرقه اصلی اعتصاب، کاهش جیره غذایی بود که از نخستین روز ماه آوریل اجرایی شد. افزون بر این، نارضایتی‌هایی چون سطح نازل دستمزدها، اجاره‌بهای سنگین، شرایط نامطلوب کار و زندگی، و کمبود خدمات نگهداری از کودک نیز به انباشت خشم کارگران انجامیده بود. این وضعیت، نمونه‌ای از بحران‌های مشابه در بسیاری از مناطق اتحاد شوروی در پایان نخستین برنامه پنج‌ساله محسوب می‌شود. در طول سال ۱۹۳۱، پلیس مخفی (او.گ.پ.و) حدود دوازده مورد ناآرامی در واحدهای صنعتی ویچوگا ثبت کرده بود و تا سال ۱۹۳۲ نیز غیبت از کار و جابه‌جایی گسترده نیروی کار شدت گرفته بود.

در فوریه همان سال، ۶۰۰ کارگر کارخانه نوگین که هیچ سهمیه آردی از تعاونی محلی دریافت نکرده بودند، از ۲۵ مارس به کندکاری و توقف‌های متناوب در کار روی آوردند. پس از آن که مطالبات آنان از سوی مقامات بی‌پاسخ ماند، در ۳۱ مارس با حرکت به سمت مرکز شهر، خواستار تخصیص کامل جیره غذایی شدند. طرفه اینکه اندکی بعد، کاهش رسمی جیره‌ها اعلام شد: ۳۱ تا ۴۷ درصد برای کارگران شاغل و ۵۰ درصد برای افراد تحت تکفل.

اعتصاب یک‌ساعته کارکنان دفتری کارخانه نوگین، مقامات حزب، کومسومول^۲ و اتحادیه کارگری را بر آن داشت تا خبر کاهش جیره را نه در مجامع عمومی — که معمولاً محل اعلام تصمیمات بود — بلکه به‌صورت محدود و در گروه‌های کوچک سطح بریگادها و کارگاه‌ها منتشر کنند. این رویکرد پنهان‌کارانه خشم کارگران را برانگیخت؛ چنان‌که ۱۵۰ تن از آنان با ترک مجمعی در باشگاه کارخانه نوگین، «به کارخانه هجوم بردند و خواستار تشکیل مجمع سراسری برای بررسی مسئله تأمین مواد غذایی شدند» (۳ آوریل)^۳.

روز بعد، دو مجمع دیگر نیز در کارخانه شماره ۱ شاکوف برگزار شد. مدیریت کارخانه بخشی از مطالبات کارگران را پذیرفت و اعلام کرد که روز چهارشنبه ۵ آوریل مجمع عمومی تشکیل خواهد شد و چند بخش می‌توانند نشست مشترکی برگزار کنند. با این حال، اعلام میزان جدید جیره‌ها در همین جلسه به فراخوان اعتصاب انجامید و بافندگان در پایان روز در بیرون کارخانه تجمع کرده و خواهان آغاز اعتصاب و تشکیل مجمع عمومی شدند.

۱. *اعتصاب کارگران در روسیه استالین*، جفری جی. راسمن، در کتاب *رویارو شدن با استالین*؛ قدرت شوروی و مقاومت مردمی در دهه ۱۹۳۰، به کوشش لین ویولا، انتشارات دانشگاه کرنل.

۲. کومسومول: اتحادیه کمونیستی سراسری جوانان لنینی — شاخه جوانان حزب کمونیست اتحاد شوروی.

۳ - راسمن، همان، ص. ۵۳.



روز ۶ آوریل، کارخانه بافندگی شماره ۱ شاکوف از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱ صبح اعتصاب کرد و خواستار برگزاری جلسه سراسری برای رسیدگی به وضعیت تأمین مواد غذایی شد. تا ساعت ۴ بعدازظهر، کارگران شیفت عصر و نیز کارخانه ریسندگی شماره ۱ به اعتصاب پیوستند. روز ۷ آوریل روز تعطیل بود و بدون واقعه قابل ذکر سپری شد.

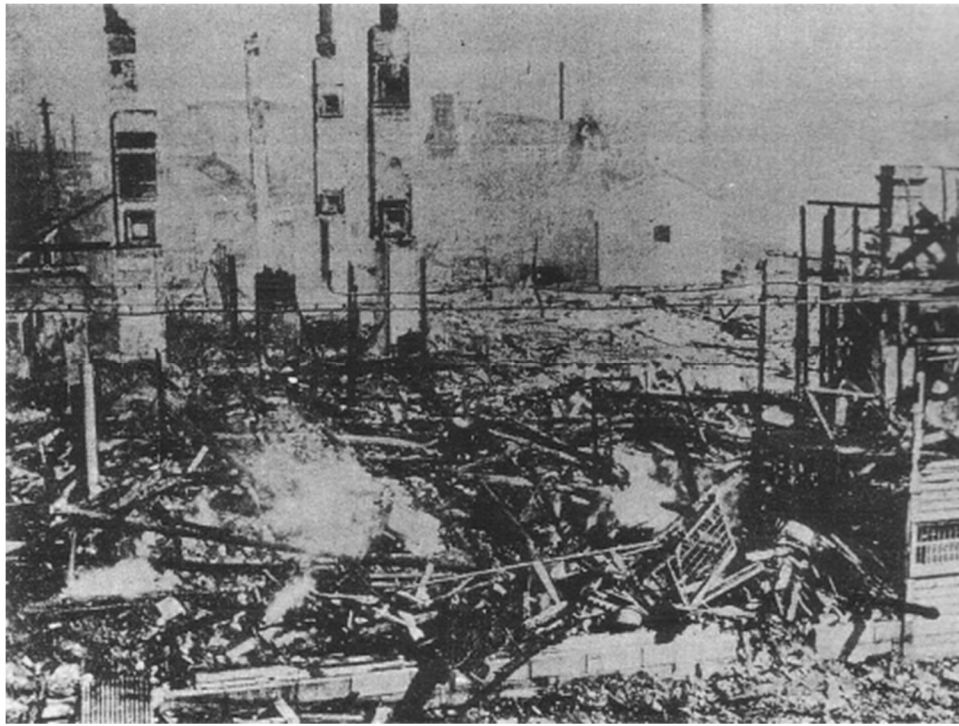
در ساعت ۵ بامداد ۸ آوریل، اعتصاب در کارخانه بافندگی شماره ۱ شاکوف و کارخانه ریسندگی شماره ۱ از سر گرفته شد. سرکارگران مرد، در حمایت از کارگران عمدتاً زن زیردست خود، «با اعمال زور خطوط تولید را متوقف کردند و افرادی را که همراهی نمی کردند تهدید نمودند»^۴ واکنش اعضای حزبی به اعتصاب متفاوت بود، اما بیشترین مخالفت از سوی کومسومول ابراز می شد. کارگران ورودی های مجتمع شاکوف را سنگربندی کردند و شیفت دوم نیز بعدازظهر به آن ها ملحق شد. سپس سه کارخانه دیگر مجموعه شاکوف و نیز کارخانه کرایسنی به اعتصاب پیوستند. شمار کارگران این کارخانه ها به ترتیب عبارت بود از: نوگین ۲۵۲۹ نفر، شاکوف ۷۴۳۹ نفر، و کرایسنی ۷۴۹۴ نفر. این کارخانه ها که تنها چند کیلومتر از یکدیگر فاصله داشتند، همگی خواهان بازگرداندن کامل جیره ها بودند. مقامات دولتی همچنان واکنشی نشان نمی دادند؛ تا جایی که برخی از اعضای کمیته اجرایی شورای ناحیه یا سرگرم فعالیت های دیگر بودند یا در مراحل اولیه بحران حتی پست های خود را ترک کرده بودند.

در ۹ آوریل، دو کارگر از کارخانه نوگین- یورکین، کمونیستی که در سال ۱۹۲۲ از حزب کناره گیری کرده بود، و کوماروف- درخواست تشکیل مجمع سراسری کارخانه را مطرح کردند. همکاران آن ها کار را متوقف کردند و به سوی کمیته کارخانه راهپیمایی نمودند و اعلام داشتند که با جیره های فعلی قادر به کار نیستند. کارخانه های کرایسنی و شاکوف نیز در آن روز در اعتصاب ماندند و اقداماتی همچون کارشکنی و حمله های فیزیکی به کارگران اعتصاب شکن سبب شد که فعالیت کارخانه ها عملاً متوقف شود.

در میانه بعدازظهر، کارگران شاکوف به منظور گسترش دامنه اعتراضات، به سوی کارخانه نوگین حرکت کردند و در طول مسیر، شمار بیشتری از کارگران به آنان پیوستند. میان آنان و اعضای حزب و کومسومول که برای

۴- منبع بالا

متوقف کردن شان اعزام شده بودند، درگیری‌هایی رخ داد. نیروهای بیشتری از کومسومول در ورودی کارخانه نوگین مستقر بودند، اما اعتصاب‌کنندگان با پرتاب سنگ به پنجره‌ها، صف آنان را شکستند و وارد سالن تولید شدند؛ جایی که تجهیزات را تخریب کردند، انبارها را ویران ساختند و کارگران اعتصاب‌شکن را مورد ضرب و شتم قرار دادند. گروهی دیگر بیرون کارخانه ماندند تا مانع ورود شیفت شب شوند. حدود ۱۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه به اعتصاب پیوستند و فعالیت کارخانه برای پنج روز به طور کامل متوقف شد.



با گسترش اعتراض، زنان حاضر در میان جمعیت فریاد زدند: «رفقا! به سوی کارخانه تینسکایا (کرایسنی) برویم!» سه هزار اعتصاب‌کننده به سوی این کارخانه حرکت کردند؛ جایی که یورکین کارگران آن را نیز به پیوستن به اعتصاب فراخواند. همانند کارخانه نوگین، بسیاری از کارگران ماشین‌های خود را ترک کردند؛ از جمله شماری اندک از اعضای حزب (۲۹ نفر از حدود ۵۰۰ نفر). برای تضمین توقف کامل کار، ماشین‌آلات را از کار انداختند و اعتصاب‌شکن‌ها- که تقریباً همگی از اعضای حزب یا کومسومول بودند- با ماکوهای بافندگی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. شمار اعتصاب‌کنندگان بیرون کارخانه به بیش از ۵۰۰۰ نفر رسید. تا پایان روز، تقریباً تمامی کارخانه‌های ویچوگا، به جز کارخانه ماشین‌سازی شماره ۶، در اعتصاب بودند. این کارخانه از آن جهت استثنا بود که کارگران آن عمدتاً مرد بودند و به جای کار تولیدی در نساجی، سازنده ماشین‌آلات ریسندگی و بافندگی محسوب می‌شدند، هرچند میزان دستمزدها مشابه بود. یورکین همان شب از سوی پلیس مخفی بازداشت و به ایوانوو منتقل شد.

اعتصاب در روز یکشنبه نیز ادامه یافت. گروه‌های سازمان‌یافته اعتصاب‌کنندگان در برابر دروازه‌های هر کارخانه نگرهبانی می‌دادند تا از تداوم اعتصاب اطمینان حاصل کنند و تا ساعت هفت صبح، تمامی تولید متوقف شده بود. تلاش دیگری برای تعطیل کردن کارخانه ماشین‌سازی صورت گرفت، اما این اقدام ناکام ماند و تولید پس از تعمیر دیگ‌های بخار آسیب‌دیده از سر گرفته شد. تا ساعت ده صبح، بر اساس توافق شب گذشته، پنج هزار اعتصاب‌کننده در میدان مقابل ساختمان شورای شهر گرد آمدند. مطالبه بازگرداندن جیره‌ها، پس از شنیدن خبر بازداشت یورکین، جای خود را به درخواست آزادی او داد و اعتصاب‌کنندگان از گفت‌وگو با مقامات محلی خودداری کردند. پلیس سواره برای متفرق کردن جمعیت اعزام شد، اما با مقاومت مواجه گردید و در پی درگیری، جمعیت خشمگین به سوی ایستگاه پلیس حرکت کرد.

با ورود اعتصاب‌کنندگان به ساختمان پلیس و پس از شنیدن ادعای رئیس پلیس، موخوف، مبنی بر بی‌اطلاعی از محل نگهداری یورکین، آنان هر افسر پلیسی را که یافتند مورد ضرب و شتم قرار دادند، اتاق‌ها را غارت کردند و پرونده‌ها را زیرورو نمودند تا نشانی از محل انتقال یورکین بیابند. سپس وارد زندان محلی شدند و زندانیان را آزاد کردند. موخوف و معاونش تا حد بیهوشی کتک خوردند و خسارات گسترده‌ای به ایستگاه وارد شد؛ از جمله شکستن پنجره‌ها و درها و بیرون کشیدن قفسه‌ها. پلیس سواره نیز در بیرون ساختمان، پس از چند تلاش ناموفق برای متفرق کردن جمعیت، با جراحات جدی روبه‌رو شد.

پس از آن، اعتصاب‌کنندگان به سوی دفتر حزب و ساختمان اداره او.گ.پ.و - که در مرکز شهر و در مجاورت یکدیگر قرار داشتند- حرکت کردند. رئیس شورای اتحادیه محلی و یکی از مقامات حزبی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و دیگر کارکنان، اندکی پیش از تصرف بنا، از ساختمان گریختند. در ادامه، ساختمان او.گ.پ.و نیز به تصرف معترضان درآمد؛ رئیس پلیس مخفی محلی، ایتکین، تا مرز بیهوشی کتک خورد و چند مأمور دیگر نیز مورد حمله قرار گرفتند، در حالی که اتاق‌ها غارت و اسناد و وسایل اداری نابود یا پراکنده می‌شد.

در این مرحله، رویدادها رنگ‌وبوی مرگبارتری به خود گرفت. یکی از افسران او.گ.پ.و ناحیه، گولوبیف، فرماندهی پلیس سواره—که پیش‌تر پراکنده و وادار به عقب‌نشینی شده بود—را بر عهده گرفت. ده افسر توانستند ساختمان او.گ.پ.و را بازپس گیرند، هرچند در این اقدام بر اثر پرتاب سنگ مجروح شدند. اعتصاب‌کنندگان برای بازپس‌گیری مجدد ساختمان تلاش کردند و به‌سوی افسرانی که در حیاط مستقر بودند، آجر و سنگ پرتاب کردند. در این لحظه، گولوبیف به نیروهایش دستور داد تیرهای هشدار به هوا شلیک کنند که موجب عقب‌نشینی موقت معترضان شد. با این حال، افسران از درهای ساختمان بیرون آمدند و این بار به‌سوی جمعیت آتش گشودند. چند کارگر هدف گلوله قرار گرفتند و یکی از آنان جان باخت، و جمعیت پراکنده شد.

با وجود آنکه گولوبیف تا پایان بعدازظهر تمامی ساختمان‌های اداری را بازپس گرفته بود، اعتصاب‌کنندگان مجدداً در نقاط مختلف شهر، ایستگاه‌های قطار و کارخانه‌ها تجمع کردند. آنان همچنان اعتصاب را اعمال می‌کردند و اعتصاب‌شکنان را از مراکز کار بیرون می‌راندند. تلاش ناموفقی برای تصرف اداره پست انجام شد؛ اما در عوض، اعتصاب‌کنندگان به کابل‌های تلگراف دست یافتند تا کنترل ارتباطات ورودی و خروجی شهر را در دست گیرند و بتوانند با دیگر مراکز صنعتی تماس برقرار کنند. فعالیت‌ها تا ساعت دو بامداد ادامه یافت و شامل بیرون‌راندن اعتصاب‌شکنان، حمله به اعضای حزب و خرابکاری در دیگ‌های بخار- با وجود چندین خط دفاعی از سوی کومسومول، اعضای حزب و مأموران او.گ.پ.و - کارخانه‌ها بود.

در این فاصله، نیروهای کمکی از سطح ناحیه و مرکز وارد شدند: ۳۰۰ عضو حزب، ۴۵۰ افسر پلیس، ۱۷ مأمور او.گ.پ.و، و ال.م. کاونویچ، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست.

در روز دوشنبه ۱۱ آوریل، اعتصاب همچنان ادامه یافت و حدود دو هزار کارگر ساعت ۹ صبح در میدان اصلی شهر برای برگزاری یک گردهمایی تجمع کردند. چند تن از مقامات محلی حزب کوشیدند جمعیت را خطاب قرار دهند، اما سخنان آنان یا نادیده گرفته شد یا با تمسخر روبه‌رو گردید. با این حال، کارگران سرانجام سخنان دو مقام را شنیدند: یکی وعده رسیدگی به موضوع جیره‌های غذایی و خدمات مراقبت از کودک را مطرح کرد، و دیگری پیشنهاد داد هیئتی به مسکو اعزام شود. گرچه این پیشنهاد با بی‌اعتمادی روبه‌رو شد، اعتصاب‌کنندگان کمیته پنج‌نفره‌ای را برای تدوین پیام خطاب به میخائیل کالینین، رئیس کمیته اجرایی مرکزی، برگزیدند.

در این مرحله- در حالی که برخی دهقانان از روستاهای اطراف نیز به تجمع ویچوگا پیوسته بودند- شتاب عمومی جنبش رو به کاهش گذاشت، چراکه بسیاری از کارگران از حوادث یک هفته گذشته خسته شده بودند. حدود ۴۰ درصد کارگران روز بعد در محل کار حاضر شدند؛ این در حالی بود که مدیریت طی شب برای بازگشایی کارخانه‌ها در ساعت ۵ صبح آماده شده بود. با وجود این، میزان حضور به سرعت کاهش یافت و در پی تلاش‌های مداوم برای حفظ اعتصاب، به حدود ۱۵ درصد در بعدازظهر رسید. پلیس ناحیه، به فرماندهی کوتسن، مقررات منع رفت‌وآمد شبانه برقرار کرد و مأموران او.گ.پ.و نیز همچنان به «حفاظت از اموال دولتی، فعالیت در میان جمعیت، و مقابله با 'خلق‌و‌خوی اعتصابی' در مزارع جمعی منطقه» ادامه می‌دادند. گرچه آنان توانستند تحرکات را در پیرامون ویچوگا محدود کنند، اما در همین زمان هیئت‌هایی از شهرهای دیگر- به همراه برخی کارگران راه‌آهن- به ویچوگا می‌رسیدند تا «یاد بگیرند چگونه باید این کار را انجام داد»^۵

کاونویچ، به همراه دیگر مقامات بلندپایه، با کارگرانی که در اعتصاب شرکت نکرده بودند دیدار کرد تا دیدگاه آنان را جویا شود. بسیاری از این کارگران نیز از وضعیت جیره‌ها ناراضی بودند، اما نسبت به همکاری که در خیابان‌ها

دست به اعتراض زده بودند، گرایش رادیکال‌تری نداشتند. برخی اعتصاب‌کنندگان تلاش کردند اقتدار نمایندگان مسکو را تضعیف کنند، اما حدود هزار نفر در میدان مجاور ساختمان شورای شهر گرد آمدند تا سخنان کاگانویچ را بشنوند. این گروه سپس به‌سوی کارخانه نوگین هدایت شد؛ جایی که کاگانویچ هنوز با کارگرانی که در محل کار حاضر شده بودند گفت‌وگو می‌کرد. با وجود شمار بالای جمعیت، آنان به‌دلیل حضور نگهبانان مسلح اجازه ورود نیافتند. در نهایت، کاگانویچ کارخانه را ترک کرد و جمعیت را به‌سوی باشگاهی در نزدیکی هدایت نمود؛ جمعیتی که تا آن زمان به حدود سه تا چهار هزار نفر رسیده بود.



سخنرانی کاگانویچ

کاگانویچ در سخنان خود وعده داد که به نگرانی‌های کارگران رسیدگی خواهد شد، ضمن آنکه روش‌های آنان را مورد انتقاد قرار داد و دستور داد مجموعه متفرق شوند و بر سر کار بازگردند. چند کارگر کوشیدند پس از او سخن بگویند، اما کاگانویچ اجازه ادامه بحث را نداد و محل را ترک کرد. آن شب، حدود ۶۵ تا ۸۵ درصد کارگران در شیفت شب حضور یافتند. کاگانویچ و دیگر مقامات، اعضای حزب را بسیج کردند و در کارخانه‌ها و خوابگاه‌ها چندین گروهی کنترل‌شده برگزار نمودند؛ گروهی‌هایی که در آن‌ها وعده رسیدگی به نهادهای تأمین‌کننده مواد غذایی داده می‌شد و طومارهایی از سوی کارگران جمع‌آوری می‌گردید.

چهارشنبه ۱۳ آوریل نیز روز تعطیل بود، و نشست‌هایی میان کاگانویچ و کارگران کارخانه‌های مختلف—از جمله کارگران کارخانه ماشین‌سازی که در اعتصاب شرکت نکرده بودند—ادامه یافت. تا پایان روز، چندین امتیاز از سوی کمیته حزبی منطقه پذیرفته شده بود: جیره‌ها باید به سطح پیشین بازگردانده می‌شد و میزان تأمین‌ها

افزایش می‌یافت. همچنین مجموعه‌ای از تدابیر مکمل درباره منابع غذایی جایگزین - از جمله کشاورزی پیرامونی، بازارهای شوروی، و اجازه رسیدگی کارگران به باغچه‌های سبزی‌کاری - مطرح شد. اندکی بعد، بخش عمده‌ای از این اصلاحات در سطح ملی از سوی مسکو اجرا شد، و این امر را می‌توان از دستاوردهای واقعی کارگران ویچوگا و سایر اعتصاب‌کنندگان منطقه صنعتی آی.پی.او دانست؛ اعتصابی که نهایتاً به اصلاحاتی در سطح سراسری انجامید. اعتصابات ویچوگا تا پیش از پژوهش‌های آرشیوی اخیر تقریباً ناشناخته مانده بود. این جنبش نه تنها جمعیتی گسترده از کارگران - حدود ۱۶ هزار نفر - را در بر می‌گرفت، بلکه بزرگ‌ترین اعتصاب از میان چندین حرکت اعتراضی در منطقه صنعتی آی.پی.او در آوریل ۱۹۳۲ محسوب می‌شد. اعتصاب‌کنندگان مطالبات مشخص طبقاتی مرتبط با شرایط مادی و معیشتی فوری خود را مطرح می‌کردند و هم‌زمان به انقلاب ۱۹۱۷ و نهاد شوراها به‌منزله دستاوردی انقلابی ارجاع می‌دادند که می‌بایست در برابر مقامات محلی و پلیس مخفی از آن صیانت شود.



اعتصاب‌کنندگان ضمن طرح مطالبات مشخص طبقاتی به انقلاب ۱۹۱۷ و نهاد شوراها ارجاع می‌دادند...

با وجود این، هرچند آنان توانستند طی چند روز نه فقط کارخانه‌ها بلکه کل شهر را در کنترل خود بگیرند، هیچ‌گاه اراده‌ای جدی برای به چالش کشیدن ساختارهای شورایی محلی یا قدرت مرکزی دولت شوروی نشان ندادند. همین امر سبب شد که با ورود نمایندگان اعزامی از مسکو و وعده برخورد با اداره محلی، روند اعتصاب به تدریج فروکش کند.

اعتصاب‌کنندگان سطح چشمگیری از هماهنگی عملی از خود بروز دادند؛ تا آنجا که گزارش‌های پلیس مخفی (او.گ.پ. او) حکایت از آن داشت که یک سازمان مخفی و از پیش سازمان‌یافته در پس این تحرکات قرار دارد. با

این حال، راسمن بر آن است که «کمیتۀ اعتصاب» در واقع ساختاری غیرمتمرکز و نسبتاً پراکنده بوده است که حول محور یورکین و چند کارگر باتجربه دیگر شکل گرفته بود.

اجتماعات گسترده کارگری، راهپیمایی‌ها به سوی کارخانه‌های دیگر، و تلاش‌ها برای تصرف یا کنترل خطوط ارتباطی به‌منظور گسترش اعتراضات به مناطق دورتر، تصویری از یک خیزش کارگری به دست می‌دهد که در مراحل آغازین به‌طور مؤثری از فرصت‌ها بهره‌برداری کرد و از تاکتیک‌هایی پیشرفته بهره گرفت. این جنبش، چه از حیث گرایش‌های سیاسی و چه از منظر روش‌های کنش جمعی، به‌وضوح پژواکی از انقلاب چهارده سال پیش را با خود داشت.

با این همه، همین احترام و وفاداری به نهاد شوراها- ولو نه به حزب- به نظر می‌رسد به پذیرش اقتدار دولت مرکزی شوروی انجامید و در نهایت به فرسایش و کاهش تدریجی اعتصابی کمک کرد که تا پیش از آن تقریباً هر روز رو به گسترش و تشدید بود.

لیبکام ۲۰۰۷

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اعتصاب‌های «آی‌آی‌آر»، می‌توان به کتاب جفری جی. راسمن با عنوان *مقاومت کارگری زیر سلطۀ استالین: طبقه و انقلاب در کارگاه تولید مراجعه کرد*.